
نیکی به پدر و مادر

مفهوم، فضائل، آداب و احکام آن

در پرتو قرآن و سنت

تألیف: نیازمند الله تعالی

د. سعید بن علی بن وهف قحطانی

ترجمه: پدram اندایش

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله، شهادت می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحقى جز الله تعالى وجود نداشته و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، کتابی که پیش رو داریم، درباره‌ی نیکی به پدر و مادر است، امری که در آن خوشبختی دنیا و آخرت وجود دارد، مگر برای تعداد بسیار اندکی از مردم.

مقدمه‌ی مؤلف

شکر و ستایش برای الله است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آموزش می‌نماییم. به الله تعالى پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و بدی‌های اعمالمان. کسی را که الله تعالى هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. شهادت می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، صلی الله علیه و آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين و سلم تسليماً كثيراً.

أما بعد:

این مطلبی مختصر است درباره‌ی نیکی به پدر و مادر؛ در آن مفهوم نیکی به پدر و مادر در لغت و اصطلاح و مفهوم عاق والدین شدن، در لغت و اصطلاح، بیان شده است، سپس دلایلی از قرآن و سنت مبنی بر واجب بودن نیکی به پدر و مادر و حرام بودن عاق شدن آنها وجود دارد، سپس بعد از آن انواعی نیکی که به پدر و مادر بعد از مرگشان به آنها می‌رسد، ذکر شده است.

از الله تعالى درخواست دارم که این عمل را با برکت، منفعت رساننده و خالص برای رضایتمندی صورت گرامی‌اش، قرار دهد و توسط آن در زندگی و بعد از مرگم به من سود برساند و همچنین به هر کسی که با آن ارتباط دارد، منفعت برساند؛ الله تعالى بهترین درخواست شونده و گرامی‌ترین آرزو شونده است و او برای ما کافی است و نگهبان نیکی می‌باشد و هیچ قدرت و توانی وجود ندارد، مگر به اذن الله بلندمرتبه و بزرگ، صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه و من

تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

المؤلف: أبو عبدالرحمن

حرر بعد عصر يوم الخميس الموافق

1426/5/2هـ

اول: مفهوم نیکی به پدر و مادر در لغت و اصطلاح:

در لغت: «البرُّ» به معنای خیر و بخشش است، گفته می‌شود: «بَرَّ الرَّجُلُ» (مرد نیکی کرد)، «بَرَّ بِرَأً» (نیکی کرد چه نیکی کردنی)، مانند: عَلِمَ يَعْلَمُ عِلْمًا، گفته می‌شود: «فَهُوَ بَرٌّ» (او نیک است)، «بَارٌّ» به معنای راستگو و پرهیزگار است و آن بر خلاف «الفاجر» (گناهکار است)، جمع «البر»، «أبرار» است و جمع «البار»: بررة، مانند: كَافِرٌ، وَكَفْرَةٌ، «بَرَرْتُ وَالِدِي»، «أَبْرَرُهُ، بِرًّا» به معنای نیکو کردن اطاعت از وی است و [همچنین] مدارا نمودن و ایجاد محبت نمودن و تحمل سختی‌ها است^(۱).
«والبرُّ» (نیکی): ضد عاق شدن است^(۲).

ابن الأثیر رحمه الله گفته است: «البرُّ» با کسره به معنای نیکوکاری است و از آن حدیثی است که درباره‌ی «بر» نیکی به پدر و مادر آمده است و آن انجام حق آنها و حق نزدیکان است و برخلاف عاق شدن است که به معنای بدی کردن به آنها و ضایع کردن حق آنها است^(۳). «البر» (نیکی): اسمی جامع برای امور خیر است و اصل آن اطاعت است^(۴).

در اصطلاح: «بر الوالدین» به معنای نیکی کردن به پدر و مادر است^(۵) [این عمل با قلب، سخن و عملی که برای تقرب به الله تعالی صورت می‌گیرد، می‌باشد].
دوم: مفهوم عاق والدین شدن در لغت و اصطلاح:

در لغت: عَقَّ، يَعُقُّ عَقْوًا (عاق شدن): العَقُّ (عاق شدن) به معنای به سختی انداختن است، گفته می‌شود: «عَقَّ ثُوبَهُ»، همان گونه که گفته می‌شود: «شَقَّ ثُوبَهُ»، همچنین گفته می‌شود: «عَقَّ الْوَلَدُ أَبَاهُ»، [وعَقَّ أُمَّهُ]، از باب قَعَدَ: و به معنای نافرمانی کردن از آنها و ترک نیکوکاری از آنها می‌باشد و چنین کسی «عاقُّ» می‌باشد و جمع

(1) المصباح المنیر، لأحمد بن محمد الفيومی (43/1).

(2) مختار الصحاح، للرازی (ص 19).

(3) النهاية فی غریب الحدیث لابن الأثیر (116/1).

(4) معجم لغة الفقهاء، لمحمد رؤاس (ص 84).

(5) المرجع السابق (ص 85).

آن: عَقَقَةُ است^(۱).

گفته می‌شود: «عَقَّ وَالِدَهُ يَعُقُّ» (عاق پدرش شد و به سختی انداخت)، عَقَوَقًا (عاق شدن) و «مَعَقَةٌ» بر وزن «مَشَقَّة»، همچنین جمع «عاق»: «عَقَقَةٌ»، به مانند: «کافر» و «کفرة»^(۲).

ابن اثیر رحمه الله گفته است: گفته می‌شود: «عَقَّ وَالِدَهُ يَعُقُّ عَقَوَقًا»، او کسی است که عاق شده است و به معنای آن است که او را آزار داده است و از او نافرمانی نموده است، آن برخلاف «البر» است و اصل آن «العق» به معنای به سختی انداخت و قطع نمود^(۳).

گفته می‌شود: «عَقَّ أَبَاهُ، وَعَقَوَقًا، وَمَعَقَةً» به معنای آن است که او (پدر) را سبک گرفت و از او نافرمانی کرد و نیکی کردن به وی را ترک نمود^(۴). مفهوم عاق پدر و مادر شدن در اصطلاح: آن عصبانی کردن آن دو با ترک نیکی کردن به آنها می‌باشد^(۵).

گفته می‌شود: «عَقَوَقَ الْوَالِدَيْنِ» (عاق پدر و مادر شدن): تمامی اعمالی است که توسط آن پدر و مادر آزار می‌بینند که برای آنها آسان نیست، همراه با آن که از افعال واجب نمی‌باشد^(۶).

گفته می‌شود: «عَقَوَقَ الْوَالِدَيْنِ»: آن آزاری است که توسط فرزند به پدر و مادر صورت می‌گیرد و شامل سخن یا عمل می‌شود، مگر آن که [ترک آن عمل] شرک یا گناه باشد که در آن صورت خیره‌سری از پدر و مادر نمی‌باشد^(۷). نزدیک‌ترین سخن آن است که «عَقَوَقَ الْوَالِدَيْنِ»: هر سخن یا عمل یا ترک کاری است که باعث آزار پدر و مادر می‌شود.

سوم: نیکی به پدر و مادر از مهمترین امور مهم می‌باشد و بزرگترین اموری

(1) المصباح المنیر (422/2).

(2) مختار الصحاح (ص 187).

(3) النهایة فی غریب الحدیث (277/3)، نگاه شود به لغة الفقهاء (ص 287).

(4) القاموس الفقہی (ص 258).

(5) لغة الفقهاء (ص 287).

(6) القاموس الفقہی (ص 258).

(7) المرجع السابق (ص 258).

است که توسط آنها تقرب صورت می‌گیرد و پر جلال‌ترین اطاعت‌ها و واجب‌ترین واجب‌ها و عاق شدن آنها بزرگترین گناهان کبیره و زشت‌ترین جرم‌ها و پست‌ترین هلاک‌کننده‌ها است؛ زیرا برای آن دلایل روشنی از قرآن و سنت وجود دارد که بدین شرح می‌باشد:

1 - الله تعالی بجا آوردن حق پدر و مادر و نیکی کردن به آنها را با عبادت وی سبحانه و تعالی همراه نموده است، همان گونه که تشکر از آنها را با تشکر از خودش همراه فرموده است، پدر و مادر سببی ظاهری برای وجود داشتن فرزند هستند و این دلیل است که شدیداً بر بجا آوردن حق آنها و نیکی کردن به آنها را تأکید می‌نماید، چه در سخن و چه در عمل؛ زیرا آن دو در کودکی شخص را دوست داشته‌اند و به وی نیکی کرده‌اند در حالی که او کم سن و سال و ضعیف بوده است و این تأکیدی بر حق آنها و واجب بودن نیکی به آنها دارد و انواع آزار به آنها به علت آن حرام می‌شود که شامل نالیدن از آنها یا نق زدن بر خدمت به آنها می‌باشد و گاهی بالا بردن صدا بر آنها یا دست بلند کردن بر آنها می‌باشد، در آیات بسیاری بجا آوردن حق پدر و مادر با عبادت الله ﷻ همراه شده است^(۱)، از آنها این سخن الله ﷻ می‌باشد: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا^ط وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [النساء: 36] (و الله را عبادت کنید و ذره‌ای به او شرک نورزید و به پدر و مادر نیکی کنید). الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي كُفْرًا عَلَيْكُمْ^ط أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا^ط وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الأنعام: 151] (بگو: بیاوید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است را بگویم، این است که ذره‌ای به او شرک نورزید و به پدر و مادر نیکی کنید). الله ﷻ می‌فرماید: ﴿

(1) انظر: تفسير ابن كثير (35/3)، وفتح القدير للشوكاني (218/3)، وتيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان للسعدی (270/4)، وأضواء البيان في تفسير القرآن بالقرآن للشنقيطي (497/3).

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ﴿[الإسراء: 23] (و
 پروردگارت حکم نموده است تا غیر او را بندگی و پرستش نکنید و به پدر و مادر
 نیکی کنید). الله ﷻ می‌فرماید: ﴿ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ ﴾
 [لقمان: 14] (از من و پدر و مادرت شکر کن و بازگشت [همه] به سوی من است).
 2 - نیکی به پدر و مادر از جهاد برتر است و منزلت آن از جهاد در راه الله تعالی
 بالاتر است؛ زیرا عبدالله بن عمر رضی الله عنهما گفته است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد
 تا برای جهاد اجازه بگیرد، او ﷺ فرمود: «أَحَىٰ وَالِدَاكَ» (آیا پدر و مادرت زنده
 هستند)، گفت: بله، فرمود: «فَفِيهِمَا فَجَاهِدْ» (پس در [خدمت به] آن دو جهاد کن!).
 در لفظ مسلم آمده است: مردی نزد پیامبر الله ﷺ آمد و گفت: با تو در هجرت نمودن
 و جهاد بیعت می‌کنم و خواستار اجری از الله می‌باشم، او ﷺ فرمود: «فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ
 أَحَدٌ حَيٌّ» (آیا از پدر و مادرت کسی زنده است؟)، گفت: بله، هر دوی آنها، فرمود:
 «فَتَبَتَّغِي الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ» (آیا در طلب اجری از الله هستی؟)، گفت: بله، فرمود:
 «فَارْجِعْ إِلَىٰ وَالِدَيْكَ فَأَحْسِنْ صُحْبَتَهُمَا» (پس به نزد پدر و مادرت برگرد و در
 معاشرت، به آنها نیکی کن!)^(۱).

ابن حجر رحمه الله گفته است: اگر برای پدر و مادری وجود دارد در نیکی
 به آن دو جهاد کن و به آنها نیکی کن؛ اگر این کار را انجام دهی در مقام جهاد می-
 باشی^(۲)؛ زیرا مقصود از جهاد برای پدر و مادر: کوشش نمودن و گشایش دادن و تا
 حداکثر توان نیکی به آنها می‌باشد؛ اهمیت آن نزد علماء در حدی است که جهاد
 جایز نمی‌گردد، مگر به اجازه‌ی آن دو، البته در صورتی که هر دوی آنها مسلمان
 باشند؛ زیرا نیکی به آنها فرض عین^۳ است و جهاد فرض کفایه می‌باشد و فرض عین
 اجازه نمی‌خواهد؛ جهاد وقتی فرضی (واجبی) برای همه می‌باشد که امام مردم را به

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الجهاد بإذن الأبوين، برقم 3004، وکتاب الأدب، باب: لا
 یجاهد إلا بإذن الأبوين، برقم 5972، و مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب بر الوالدین
 وأنهما أحق به، برقم 2549.

(2) فتح الباری بشرح صحیح البخاری (403/10).

³ - فرض عین یعنی در هر حالتی واجب است انجام بگیرد و فرض کفایه به معنای آن است که
 اگر عده‌ای در حد نیاز آن را انجام دهند، از بقیه ساقط می‌شود. (مترجم)

جنگ دعوت کند یا این که دشمن به سرزمین مسلمانان حمله نموده باشد یا هنگامی که دو گروه مسلمانان و کافران در جلوی یکدیگر صف کشیده باشند^(۱).

3 - نیکی به پدر و مادر: برترین عملها، نزدیکترین اعمال در وارد بهشت شدن و بعد از نماز - که از بزرگترین اعمال اسلام است - دوست داشتنیترین عمل نزد الله تعالی می باشد؛ زیرا پیامبر ﷺ از آن باخبر نموده است و با «ثُمَّ» (سپس) آن را ترتیب داده است که شامل ترتیب داشتن و فاصله داشتن می باشد^(۲)، عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: از رسول الله ﷺ پرسیدم: کدام اعمال برتر است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ لَوَقْتِهَا» (نماز در وقت آن)، گفتم: سپس کدام؟ فرمود: «ثُمَّ بِرُ الْوَالِدَيْنِ» (سپس نیکی کردن به پدر و مادر)، گفتم: سپس کدام؟ فرمود: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (جهاد در راه الله) [و گفته است:] آنها را رسول الله ﷺ برای من بیان نمود و اگر اضافه تر می پرسیدم، اضافه تر جواب می داد^(۳). در لفظی دیگر آمده است: کدام عمل نزد الله دوست داشتنی تر است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا...»^(۴). همچنین با این لفظ آمده است: کدام اعمال بهتر انسان را به بهشت نزدیک می کند؟ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى مَوَاقِيتِهَا...» (نماز در وقت های آن...)^(۵).

4 - نیکی به پدر و مادر، پروردگار ﷻ را راضی می گرداند، عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «رَضِيَ الرَّبُّ فِي رِضَى الْوَالِدِ وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ»^(۶) (رضایت پروردگار در رضایت پدر است و خشم

(1) نگاه شود به شرح مشکل الآثار للطحاوی (5/563)، ومعالم السنن للخطابی (3/378)، والمفهم لما أشكل من تلخیص کتاب مسلم للقرطبی (6/509).

(2) نگاه شود به الجامع لأحكام القرآن للقرطبی (10/243).

(3) متفق علیه: البخاری، کتاب الصلاة، باب فضل الصلاة لوقتها برقم 527، 2780 و 7534، ومسلم، کتاب الإیمان، باب بیان کون الإیمان بالله تعالی أفضل الأعمال، برقم 85.

(4) البخاری، برقم 527، 5970، ومسلم، برقم 139 (85).

(5) مسلم، برقم 138 (85).

(6) الترمذی، کتاب البر والصلة، باب ما جاء من الفضل فی رضی الوالدین (4/310) برقم 1899، والحاکم وصححه علی شرط مسلم ووافقه الذهبی (4/152)، وصححه الألبانی فی سلسلة

الأحادیث الصحیحة (2/29) برقم 516، وفی صحیح الأدب المفرد (ص 33) برقم 2.

پروردگار در خشم پدر است).

5 - نیکی به پدر و مادر، انسان را داخل بهشت می‌نماید، ابودرداء رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الْوَالِدُ أَوْسَطُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَإِنْ شِئْتَ فَأَضِعْ ذَلِكَ الْبَابَ أَوْ احْفَظْهُ» (پدر وسط‌ترین درب از درهای بهشت می‌باشد، پس اگر خواستی آن درب را واگذار کن یا از آن محافظت به عمل آور!)^(۱). معاویه بن جاهمة رضی الله عنهما گفته است: جاهمة رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول الله! می‌خواهم بجنگم و برای این نزد تو آمده‌ام تا با تو مشورت کنم، او صلی الله علیه و آله فرمود: «هَلْ لَكَ مِنْ أُمَّ» (آیا مادری داری؟)، گفت: بله، فرمود: «فَالزَّمْهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ رِجْلِهَا» (پس خودت را ملزم [به اطاعت] از وی کن! زیر بهشت زیر دو پای وی است)^(۲). لفظ طبرانی این گونه است: «الْكَ وَالِدَانِ» (آیا پدر و مادر داری؟) گفتم: بله، فرمود: «الزَّمْهُمَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَرْجُلِهِمَا» ([پس خودت را] ملزم [به اطاعت آنها کن!] زیرا بهشت زیر پاهای آن دو است)^(۳).

6 - دعای رسول الله صلی الله علیه و آله بر کسی که به پدر و مادرش هنگام پیری آنها، نیکی نمی‌کند، ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «رَغِمَ أَنْفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ» (بینی‌اش بر زمین کشیده شود، بینی‌اش بر زمین کشیده شود، بینی‌اش بر زمین کشیده شود)، گفته شد: چه کسی ای رسول الله صلی الله علیه و آله؟! فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ» (کسی که پدر و مادرش در پیری، یکی از آنها یا هر دوی آنها نزد او باشند و او وارد بهشت نشود)^(۴). إمام قرطبی

(1) الترمذی، کتاب البر والصلوة، باب ما جاء من الفضل فی رضی الوالدین، وقال: هذا حدیث صحیح (311/4) برقم 1900، وقال عبدالقادر الأرئوط وهو كما قال. انظر: تحقیقه لجامع الأصول (404/1).

(2) النسائی، کتاب الجهاد، باب الرخصة فی التخلف لمن له والدة (11/6)، برقم 3104، وابن ماجه، کتاب الجهاد، باب الرجل یغزو له أبوان، برقم 2781، وأحمد فی المسند (429/3)، والحاکم وصححه ووافقه الذهبی (151/4)، وقال الهیثمی فی مجمع الزوائد (138/8): رواه الطبرانی فی الأوسط ورجاله ثقات، وحسنه عبدالقادر الأرئوط فی جامع الأصول (403/1)، وقال الألبانی فی صحیح سنن النسائی (372/2): حسن صحیح.

(3) الطبرانی فی الکبیر برقم 2202، (189/2)، قال المنذری فی الترغیب (285/3): رواه الطبرانی بإسناد جید، وقال الألبانی فی صحیح الترغیب والترهیب (650/2): حسن صحیح.

(4) صحیح مسلم، کتاب البر والصلوة، باب رغم أنف من أدرك أبويه أو أحدهما عند الكبر فلم یدخل الجنة، (1978/4)، برقم 2551.

رحمه الله گفته است: این دعا تأکید دارد بر کوتاهی نمودن به نیکی نمودن به پدر و مادر و شامل دو وجه می‌باشد:

یکی از آنها: معنای آن این است که الله تعالی بینی او را بر زمین افکند و او را هلاک گرداند و این در حق کسی است که حقی که برگردنش است تا به آنها نیکی کند را بجا نیاورد.

دومین آنها: معنای آن این می‌باشد که الله تعالی او را ذلیل نماید؛ زیرا کسی که بینی‌اش - که آن با شرفترین اعضای بدن است - به خاک کشیده شود - خاکی که محل قدم گذاشتن است و پایین‌ترین چیزها می‌باشد - در نهایت خواری و ذلالت قرار می‌گیرد؛ این وقتی اصلاح می‌گردد که او به مستحباتی که بر آنها تأکید شده است، دعوت شود و او کوتاهی نماید و همچنین وقتی اصلاح می‌گردد که در واجبات کوتاهی شود و آن ظاهر کلام است. خاص کردن آن به پیری - در حالی که نیکی به آنها در هر حالتی واجب است - فقط برای آن است که آنها در آن حالت دارای شدیدترین نیاز به وی می‌باشند؛ همچنین آنها برای انجام بسیاری از مصلحت‌هایشان در آن زمان، ضعیف می‌باشند و زمانی برای فرزند به وجود می‌آید که فرصت نیکی کردن به آنها را غنیمت بشمارد؛ چه بسا که با مرگ آن دو او پشیمان گردد^(۱).

الله تعالی مخصوص کردن حالت پیری پدر و مادر را برای این بیان داشته است، زیرا در آن امر به نیکوکاری به آنها و نیکی و لطف و مهربانی و محبت به آنها، زیاد می‌شود؛ زیرا آنان در حالتی وجود دارند که احتیاج به نیکی وی دارند؛ زیرا آنها در آن حالت دارای پیری و ضعف می‌باشند، الله سبحانه و تعالی در این حالت مراعات احوال آنها را لازم‌تر از حالت‌های دیگر است؛ زیرا آنها در این حالت به حالتی می‌رسند، شدیداً درمانده می‌شوند و احتیاج دارند تا به آنها رسیدگی شود، همان گونه که وقتی فرزند کودک بود، احتیاج به یاری آن دو داشت؛ به همین دلیل این حالت را خاص گردانده است، همچنین در این حالت حالتی غیر عادی درست

(1) المفهم لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم (518/6).

شده و بر شخص واجب است که سنگینی آن را بپذیرد و دردها را به خود بخرد و این طور نباشد که گلایه مندی او زیاد شود و در نتیجه خشمش را بر پدر و مادر ظاهر گرداند و رگ‌های گردنش از شدت خشم، گشاد گردند و در نتیجه آن از بین رفتن دینش و کم شدن بصیرتش افزایش یابد، کمترین بدی آن این است که نالیدن او آشکار گردد و این در حالی است که الله تعالی امر فرموده است که در مقابل آنها رفتاری باکرامت داشته باشد و آن سالم بودن از هر عیبی است^(۱)، الله ﷻ می‌فرماید:

﴿ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَهَرَّهُمَا

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴾ [الإسراء: 23] (پروردگارت حکم فرموده است که

غیر او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آنها یا هر دوی آنها در نزد تو به سن پیری برسند، به آنها [حتی] یک اف نگو و آنان را از نزد خودت مَران و با آنها با سخنی گرامی، سخن بگو). الله ﷻ امر می‌فرماید که نسبت به آن دو تواضع صورت گیرد و بر آنها از روی فروتنی بال مهربانی گسترده شود و این عمل به نیت ثواب بردن می‌باشد و از روی ترس از آن دو نمی‌باشد، الله ﷻ امر فرموده است که برای آن دو دعای رحمت صورت گیرد، چه زنده باشند و چه مرده باشند و این پاداشی برای آنها به دلیل تربیت نمودن فرزند و نیکی به وی می‌باشد، الله ﷻ

می‌فرماید: ﴿ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا

كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴾ [الإسراء: 24] (و بر آنها بال فروتنی و مهربانی را بگستران و

بگو: پروردگارا به آن دو رحم کن، همان گونه که آن دو در کودکی مرا تربیت نمودند و پرورش دادند).

7 - رسول الله ﷺ بیان فرموده است که فرزند چگونه می‌تواند، حق پدر

خود را بجا بیاورد، ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لَا يَجْزِي وُلْدٌ

(1) نگاه شود به الجامع لأحكام القرآن للقرطبي (246/10).

وَالِدًا إِلَّا أَنْ يَجِدَهُ مَمْلُوكًا فَيُشْتَرِيَهُ فَيُعْتِقَهُ»^(۱) (فرزند نمی‌تواند، حق پدر خود را جبران کند، مگر آن که او را برده‌ای بیابد و او را بخرد و او را آزاد کند).

أبی بردة، ابن عمر رضی الله عنهما و مردی یمنی را در حالتی دید که کعبه را طواف می‌کردند و او مادرش را بر پشتش حمل می‌نمود و می‌گفت:

إِنِّي لَهَا بَعِيرُهَا الْمَذَلُّ إِنَّ أُذْعِرْتِ رِكَابَهَا لَمْ أُذْعِرْ

من برای او شتری فروتن هستم اگر سوار شده بر آن بترسد من نمی‌ترسم

سپس گفت: ای ابن عمر! آیا این گونه می‌بینی که او حق مادرش را جبران

کند؟ او گفت: خیر حتی به اندازه‌ی یک آه کشیدن او^(۲).

8 - نیکی به پدر و مادر نزدیک کننده‌ترین اعمال به الله ﷻ می‌باشد؛ زیرا ابن

عباس رضی الله عنهما بیان داشته است که مردی نزد وی آمد و گفت: من از زنی خواستگاری نمودم و او از آن که با او ازدواج کنم، سر باز زد و دیگری از او خواستگاری نمود و او دوست دارد که با او ازدواج کند، بر او غیرتی شدم و او را کشتم، آیا برای من توبه‌ای وجود دارد؟ گفت: آیا مادر تو زنده است؟ گفت: خیر، گفت: به الله ﷻ توبه کن و تا آنجا که می‌توانی به او تقرب بجو! [عطاء بن یسار گفت: رفتم و از ابن عباس سوال نمودم: چرا از زنده بودن مادر وی سوال نمود؟ او گفت: من عملی را برای تقرب جستن به الله تعالی برتر از نیکی به مادر نمی‌دانم^(۳).

9 - سخن گفتن نرم با پدر و مادر، انسان را وارد بهشت می‌کند؛ زیرا ابن

عمر رضی الله عنهما به مردی که دچار گناه شده بود و آن را برای ابن عمر بیان داشت، گفت: این از گناهان کبیره نیست، سپس ابن عمر رضی الله عنهما از گناهان کبیره سخن گفت، و آنها نه دسته هستند: شرک ورزیدن به الله، قتل برده، فرار از صحنه‌ی جنگ، تهمت زدن به زن پاکدامن، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، الحاد در

(1) مسلم، کتاب العتق، باب فضل عتق الوالد (1148/2)، برقم 1510.

(2) الأدب المفرد للبخاری (62/1) برقم 11، وقال الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (36/1): صحیح الإسناد.

(3) البخاری فی الأدب المفرد، برقم 4، وصححه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (34/1)، وفي الأحادیث الصحیحة برقم 2799.

مسجد، کسی که مسخره می‌کند و گریه‌ی پدر مادر به علت ظلم فرزند. سپس ابن عمر گفت: آیا پدرت زنده است؟ آن مرد گفت: من مادری دارم، ابن عمر گفت: قسم به الله اگر در سخن گفتنت نرمی کنی و به او غذا بخورانی، وارد بهشت می‌شوی اگر از گناهان کبیره خودداری کنی^(۱).

10 - از نیکی به پدر و مادر، شاد کردن آنها می‌باشد؛ عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمد تا بر هجرت با او بیعت کند و پدر و مادرش را در حالی که گریه می‌کنند، ترک نماید، فرمود: «ارْجِعْ عَلَيْهِمَا فَأُضْحِكُهُمَا كَمَا أَبْكَيْتَهُمَا»^(۲) (به نزد آن دو برگرد و همان‌گون که آنها را به گریه انداختی آنان را بخندان).

11 - از نیکی به پدر و مادر و نیکوکاری در حق آنها این است که شخص باعث نشود تا به آنها دشنام داده شود و آنها را آزار دهند و سببی نشود تا به آنها بی‌احترامی صورت گیرد. عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مِنَ الْكِبَائِرِ شَتْمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ» (از گناهان کبیره این است که شخص پدر و مادرش را دشنام دهد) گفتند: ای رسول الله! آیا کسی وجود دارد که پدر و مادرش را دشنام دهد، فرمود: «نَعَمْ يَسِبُّ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسِبُّ أَبَاهُ وَيَسِبُّ أُمَّهُ فَيَسِبُّ أُمَّهُ» (بله، [آن وقتی است] که شخص پدر دیگری را دشنام می‌دهد و او نیز [در عوض] پدر او را دشنام می‌دهد و [همچنین] وقتی است که او مادر دیگری را دشنام می‌دهد و او [در عوض] مادر او را دشنام می‌دهد)^(۳). لفظ ابوداود نیز این‌گونه است: «إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ أَنْ يَلْعَنَ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ» (از بزرگترین گناهان کبیره آن است که شخصی پدر و مادرش را لعنت کند)، گفته شد: چگونه شخصی پدر و مادر

(1) الأدب المفرد، للبخاری برقم 8، وصححه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (35/1)، وفی سلسلة الأحادیث الصحیحة 2898.

(2) أخرجه أبو داود، کتاب الجهاد، باب فی الرجل یغزو وأبواه کارهان، برقم 2528، والنسائی، کتاب البیعة، باب البیعة علی الهجرة، برقم 4174، وابن ماجه، کتاب الجهاد، باب الرجل یغزو وله أبوان، برقم 2782، والبخاری فی الأدب المفرد برقم 13، وصححه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (37/1)، وفی إرواء الغلیل برقم 1199، وفی صحیح النسائی (122/3) وغیر ذلک.

(3) متفق علیه: البخاری، کتاب الأدب، باب لا یسب الرجل والديه (92/7)، برقم 5973، ومسلم، کتاب الإیمان، باب بیان الکبائر وأکبرها (92/1)، برقم 90، وأبو داود، کتاب الأدب، باب بر الوالدین، برقم 5141، ولفظ البخاری: إن من أكبر الكبائر أن یلعن الرجل والديه الحدیث.

خود را لعنت می‌کند؟ فرمود: «يَلْعَنُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَلْعَنُ أَبَاهُ وَيَلْعَنُ أُمَّهُ فَيَلْعَنُ أُمَّهُ» (شخص پدر دیگری را لعنت می‌کند و او [نیز در عوض] پدر او را لعنت می‌کند و شخص مادر دیگری را لعنت می‌کند و او [نیز در عوض] مادر او را لعنت می‌کند).

علی بن ابی طالب رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لغيرِ اللَّهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَوَى مُحَدَّثًا وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَيْهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ الْمَنَارَ»^(۱) (کسی که به اسم غیر از الله [جاننداری] را ذبح کند را الله او لعن می‌فرماید و الله کسی را که در زمین فساد می‌کند را لعن می‌فرماید و الله کسی که پدر و مادرش را لعن کند را لعن می‌نماید و الله کسی که علامت‌های مرزها را تغییر می‌دهد را لعن می‌کند).

12 - درست است که نیکی به پدر و مادر فرض و واجب است و در حق برگردن آنها تفاوت وجود دارد، مادر سختی حاملگی و سختی زایمان و سختی شیر دادن و تربیت را به عهده دارد که این سه امر مادر را [از بقیه] جدا می‌کند^(۲)، ابوهیره رضی الله عنه آورده است که مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول الله! چه کسی سزاوارتر به نیکویی معاشرت من می‌باشد؟ فرمود: مادرت، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: مادرت، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: مادرت، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: سپس پدرت^(۳). در روایت مسلم نیز آمده است: «أُمُّكَ ثُمَّ أُمُّكَ ثُمَّ أُمُّكَ ثُمَّ أَبُوكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ أَدْنَاكَ»^(۴) (مادرت، سپس مادرت، سپس مادرت، سپس پدرت، سپس نزدیکتر و نزدیکتر).

13 - از کامل بودن نیکی [به والدین] معاشرت با دوستان پدر و مادر است، عبدالله بن دینار از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است: مردی از بادیه

(1) صحیح مسلم، کتاب الأضاحی، باب تحریم الذبح لغير الله تعالی ولعن فاعله (3/1567)، برقم 1978.

(2) نگاه شود به الجامع لأحكام القرآن للقرطبی (10/244).

(3) متفق علیه: البخاری، کتاب الأدب، باب من أحق الناس بحسن الصحبة (7/91)، برقم 5971، ومسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب بر الوالدین وأنهما أحق به (4/1974)، برقم 2548.

(4) رواية للحديث السابق عند مسلم، فی الكتاب والباب السابقین (4/1974).

نشینان عرب در راه مکه او را ملاقات نمود، عبدالله بر وی سلام نمود و او را بر الاغی که سوار بود، سوار کرد و عمامه‌ای را که بر سر داشت به او داد، عبدالله بن دینار گفت: الله تو را اصلاح کند! آنان بادیه نشین می‌باشند و آنان به آسان بودن راضی هستند، عبدالله رضی الله عنه گفت: این شخص دوست عمر بن خطاب رضی الله عنه پدرم بود و من از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «إِنَّ أَبْرَّ الْبِرِّ صَلَّةُ الْوَالِدِ أَهْلًا وَوَدَّ أُبِيهِ» (از نیک‌ترین نیکی‌ها [به پدر]، معاشرت [و نیکی کردن] به دوستان پدر است)^(۱). از اعمال پاک و با برکت این است که فرزندان بعد از مرگ پدر و مادر به آنها نیکی کنند: شامل درود فرستادن برای آنها و طلب آمرزش نمودن برای آنها و عملی نمودن پیمان آنها بعد از [مرگشان] است و همچنین صله‌ی رحمی که فقط به آنها می‌رسد و همچنین گرمی داشتن دوست آنها است^(۲).

14 - نیکی به پدر و مادر مخصوص پدر و مادر مسلمان نیست، بلکه حتی اگر کافر نیز باشند، باید انجام پذیرد، باید در این حالت نیز به آنها نیکی کرد و به آنها نیکوکاری نمود، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: 15] (اگر کوشش نمودند تا به من شرک بورزی در حالی که از آن آگاهی نداری، پس از آنها اطاعت نکن! و با آنها در دنیا به نیکی معاشرت کن!).

أسماء بنت أبوبکر رضی الله عنهما گفته است: مادرم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله با رغبت به نزد من آمد، از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال نمودم: آیا با او صله‌ی رحم کنم؟ فرمود بله، ابن عیینة گفته است: در آن هنگام الله تعالی درباره‌ی آن نازل فرمود: ﴿لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُواكُمْ فِي الدِّينِ﴾ [الممتحنة: 8] (الله شما را [از دوست داشتن کافرانی] که برای دین شما با شما جنگ ننموده‌اند نهی نمی‌کند).

(1) مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب فضل صلة أصدقاء الأب والأم ونحوهما (1979/4) برقم 2552.

(2) نگاه شود به سنن أبی داود، برقم 5142، وابن ماجه، برقم 3664، وأحمد (497/3)، وضعفه الألبانی فی الضعیفة برقم 597.

³ - صله‌ی رحم فقط دید و بازدید نیست بلکه انتقال دادن عاطفه نیز می‌باشد. (مترجم)

فرماید^(۱).

از بزرگترین نیکی به آنها، دعوت دادن آنها به سوی الله ﷻ است و چیزی را به آنها آموزش دهیم که به آنها منفعت [دنیوی و اخروی] برساند؛ آن و سزاوارترین انسانها به مدارا نمودن و مهربانی می‌باشند.

15 - از بزرگترین حقهای آنها این است که پیامبر ﷺ عاق شدن توسط آنها را همراه شرک به الله ﷻ بیان نموده است؛ ابوبکره رضی الله عنه آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا أُتْبِتُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكِبَائِرِ» (آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره باخبر سازم؟) سه بار این سخن را تکرار نمود. گفتند: بله ای رسول الله! فرمود: «الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» (شرک ورزیدن به الله و [آزار دادن] پدر و مادر و عاق شدن توسط آنها) مدتی نشست و تکیه داد و فرمود: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ» (آگاه باشید و همچنین گواهی دادن دروغ)، آنقدر آن را تکرار نمود، تا این که گفتیم: ای کاش سکوت می‌فرمود^(۲).

عمیر بن قتادة لیشی گفته است: مردی گفت: ای رسول الله! گناهان کبیره کدامند؟ فرمود: آنها نه عدد هستند [و هفت عدد از آنها در حدیث ابوهیره رضی الله عنه که متفق علیه می‌باشد و شامل هفت هلاک کننده است، آمده است]^(۳) در این حدیث

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الأدب، باب صلة الوالد المشرک (94/7)، برقم 5978، ومسلم، کتاب الزکاة، باب فضل النفقة على الأقرین والزوج والأولاد والوالدین ولو كانوا مشرکین (996/2) برقم 1003، والآية من سورة الممتحنة: 8.

(2) متفق علیه: البخاری، کتاب الشهادات، باب ما قيل في شهادة الزور (204/2)، برقم 2654، ومسلم، کتاب الإیمان، باب الكبائر وأکبرها (91/1)، برقم 87.

(3) متفق علیه من حدیث أبی هريرة رضی الله عنه: البخاری، کتاب الوصایا، باب قول الله تعالى: ﴿

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ آلِيَتَمَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ [النساء: 10] برقم 2766، ومسلم، کتاب الإیمان، باب الكبائر

وأكبرها، برقم 89، لفظ او این گونه است: از هفت هلاک کننده اجتناب بورزید! گفته شد: آنها کدامند ای رسول الله؟! فرمود: «الشَّرْكُ بِاللَّهِ وَالسَّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَأَكْلُ الرِّبَا وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» (شرک به الله و جادو [و دعا نویسی] کشتن کسی که الله کشتن او را حرام فرموده است، مگر از روی حق و خوردن مال یتیم و رباخواری و فرار کردن از صحنه‌ی جنگ و تهمت زدن به زنان مؤمن پاک بی‌توجه به گناه).

اضافه می‌فرماید: «وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ وَاسْتِحْلَالُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قَبْلَتِكُمْ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا»^(۱) (و آزار دادن پدر و مادر مسلمان و عاق شدن توسط آنها و حلال کردن حرمت مسجد الحرام که قبله‌ی زنده و مرده شما می‌باشد).

انس رضی الله عنه آورده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی گناهان کبیره سوال شد و او فرمود: «الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَشَهَادَةُ الزُّورِ»^(۲) (شرك و رزیدن به الله و عاق شدن پدر و مادر و کشتن شخصی [به ناحق] و گواهی دروغ). مغیره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الْأُمَّهَاتِ وَمَنْعًا وَهَاتِ وَوَادَ الْبَنَاتِ وَكَرِهَ لَكُمْ قَيْلَ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ»^(۳) (الله بر شما حرام کرده است: عاق شدن مادران و منع نمودن بجا آوردن حق دیگران و زنده به گور کردن دختران و برای شما کراهت می‌ورزد که داد و فریاد راه بیاندازید و زیاد درخواست کنید و مال را حیف و میل نمایید).

16 - از نیکی به پدر و مادر، اعتراف به فضیلت و بخشش آنها و دعا کردن برای آنها می‌باشد، ابی مره مولای ام هانی بنت ابی طالب گفته است: او همراه ابوهریره سوار بود و به سوی سرزمینش [عقیق] می‌رفت، وقتی داخل سرزمینش شد با صدای بلند، فریاد برآورد: بر تو سلام و رحمت الله و برکات وی باشد ای مادرم! آن زن نیز گفت: وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته، آن مرد گفت: الله تو را رحمت کند که مرا در کودکی پرورش دادی! آن زن گفت: ای پسرکم! و الله به تو پاداش خیر دهد و از تو راضی باشد که به من در پیری نیکی نمودی^(۴).

17 - نیکی به پدر و مادر، وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله است؛ زیرا ابو درداء رضی الله عنه گفته است: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا به نه چیز وصیت نمود، [به من فرمود:]: ذره‌ای به الله شرک نوز! حتی اگر قطعه قطعه شدی و آتش زده شدی، به عمد نماز واجب را

(1) أبو داود، کتاب الوصایا، باب ما جاء فی التشدید فی أكل مال الیتیم، برقم 2875، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن ابی داود (209/2).

(2) متفق علیه: البخاری، کتاب الشهادات، باب ما قیل فی شهادة الزور (204/3)، برقم 2653، ومسلم، کتاب الإیمان، باب الكبائر وأکبرها (91/1)، برقم 88.

(3) البخاری، کتاب الأدب، باب عقوق الوالدین من الكبائر برقم 5975، ومسلم، کتاب الأفضیة، باب النهی عن كثرة المسائل من غیر حاجة والنهی عن منع وهات برقم 593.

(4) البخاری فی الأدب المفرد برقم 14، وحسن إسناده الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (37/1).

ترک نکن و کسی که از روی عمد آن را ترک کند، عهدی از طرف الله بر وی نمی- باشد، هرگز شراب ننوش؛ زیرا آن کلید هر شری است، از پدر و مادر اطاعت کن، حتی اگر تو را از دنیایت خارج کردند برای آنها خارج شو، با صاحبان امر مخالفت نکن! حتی اگر فقط تو بر حق بودی، از صحنه‌ی جنگ فرار نکن! حتی اگر هلاک شدی و دوستانت فرار کردند، در غنی و بی‌نیازی بر اهلت انفاق کن! [و در صورت انجام گرفتن شر] از طرف اهلت، چوب دستی خود را ترک نکن! و آنها را از الله بترسان^(۱).

18 - از بزرگترین حقوق والدین آن است که فرزند ملک پدرش می‌باشد؛ زیرا عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! برای من مال و فرزندی وجود دارد، اگر پدرم مال مرا از بین می‌برد، چه کار کنم؟ فرمود: «أَنْتَ وَمَالُكَ لِوَالِدِكَ إِنْ أَوْلَادُكُمْ مِنْ أَطْيَبِ كَسْبِكُمْ فَكُلُوا مِنْ كَسْبِ أَوْلَادِكُمْ» (تو و مالت برای پدرت هستید، فرزندان شما پاک‌ترین کسبتان می- باشند، پس از کسب و کار فرزندانتان بخورید). در لفظ ابن ماجه به جای «والدک»، «ایبک» آمده است [که یک معنا می‌دهند]^(۲).

19 - دعای پدر و مادر مستجاب می‌شود.

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مرد عابدی وجود داشت و در صومعه‌ای که برای وی بود، می‌بود، در حالی که نماز می‌خواند، مادرش نزد وی آمد و [مادر] گفت: ای جریح من مادر تو هستم با من سخن بگو! او گفت: ای پروردگار! مادرم و نمازم، و رو به نماز نمود، در روز دوم نیز این چنین شد و او رو به نماز نمود، در روز سوم [مادر] نزد وی آمد و او گفت: پروردگار! مادرم و نمازم و رو به نماز نمود، [مادر]

(1) أخرجه ابن ماجه، بنحوه كتاب الفتن، باب الصبر على البلاء، برقم 4034، والبخاری بلفظه فی الأدب المفرد، برقم 18، وحسنه الألبانی فی إرواء الغلیل برقم 2086، وفی صحیح سنن ابن ماجه (321/3)، وفی صحیح الأدب المفرد (ص 38).

(2) أخرجه أبو داود، كتاب البيوع، باب فی الرجل يأكل من مال ولده، برقم 3530، وابن ماجه، كتاب التجارات، باب ما للرجل من مال ولده، برقم 2292، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن أبي داود (380/2).

گفت: یا الله او را نمیران تا این که به صورت زنان فاحشه نگاه کند، الله [تعالی] دعای او را مستجاب نمود و زن هرزه‌ای از بنی اسرائیل که از زنا حامله شده بود، به او تهمت زد و گفت: آن مرد با من این گونه کرده است و او عذاب داده شد و صومعه - اش ویران گشت و در انتها الله او را بعد از مجازات نزدیکی، نجات داد^(۱).

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ دَعْوَةُ الْوَالِدِ وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ»^(۲) (سه دعا هستند که مستجاب می‌شوند و شکی در آن وجود ندارد: دعای پدر [برای فرزند] و دعای مسافر و دعای مظلوم).

20 - الله تعالی کسی که به پدر و مادر نیکی کند، اگر به آن عمل توسل نماید، دعایش را مستجاب می‌کند؛ در این باره حدیثی است که در مورد سه نفر که در غاری بودند و سنگ بزرگی جلوی درب غار را گرفت آمده است؛ یکی از آنها کسی بود که به عملش که نیکی به پدر و مادر بود، توسل پیدا کرد و الله تعالی دعای او را مستجاب نمود [و درب غار باز شد]^(۳).

در این باره پیامبر صلی الله علیه و آله از بهترین تابعین به ما خبر داده است و او کسی است که اگر به الله تعالی قسم بخورد، الله تعالی سخن او را راست می‌گرداند [و آنچه که قسم خورده است، عملی می‌شود] و سبب آن این است که او مادری داشت که به وی نیکی می‌کرد^(۴).

(1) نگاه شود به صحیح البخاری، کتاب أحادیث الأنبياء، باب ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرِيَمَ إِذِ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا﴾ (168/4)، برقم 3436، ومسلم، کتاب البر والصلة، باب تقديم بر الوالدين على التطوع بالصلاة وغيرها (1976/4)، برقم 2550.

(2) أبو داود، کتاب الصلاة، باب الدعاء بظهر الغيب (89/2) برقم 1536، والترمذی، کتاب البر والصلة، باب ما جاء في دعوة الوالدين (314/4) برقم 1905، وابن ماجه، کتاب الدعاء، باب دعوة الوالد ودعوة المظلوم (1270/2)، برقم 3862، وحسنه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد للبخاری (ص 43)، وانظر: سلسلة الأحاديث الصحيحة للألبانی (147/2) برقم 596.

(3) متفق عليه: انظر: البخاری، کتاب البيوع، باب إذا اشترى شيئاً لغيره بدون = = إذنه فرضی (50/3)، برقم 2215، ومسلم، کتاب الذكر والدعاء، والتوبة والاستغفار، باب قصة أصحاب الغار الثلاثة والتوسل بصالح الأعمال (2099/4) برقم 2743.

(4) مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل أويس القرني (1968/4) برقم 2542.

21 - از بزرگترین حقوق پدر و مادر این است که الله تعالی برای کسی که عاق والدین شود، بهشت را حرام نموده است. زیرا عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَالْعَاقُ وَالِدِيَّوْتُ الَّذِي يُقْرُ فِي أَهْلِهِ الْخُبْتُ»^(۱) (سه گروه [گروه] هستند که الله تبارک و تعالی بهشت را بر آنان حرام نموده است: دائم الخمر، عاق [شده توسط والدین] و دیوت کسی که اعمال خبیث را در حضور اهلش انجام می دهد).

22 - از بزرگ بودن حقوق والدین این است که الله تعالی به کسی که عاق پدر و مادر شده باشد، روز قیامت نمی نگرد؛ زیرا عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْعَاقُ لَوْلَدِيهِ، وَالْمَرْأَةُ الْمَتْرَجِلَةُ، وَالِدِيَّوْتُ، وَثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الْعَاقُ لَوْلَدِيهِ، وَالْمُدْمِنُ عَلَى الْخَمْرِ، وَالْمَنَّانُ بِمَا أُعْطِيَ»^(۲) (سه گروه هستند که الله ﷻ در روز قیامت به آنها نگاه نمی کند: عاق پدر و مادر و زنی که خود را شبیه مردان درست می کند و دیوت [کسی که اعمال زشت را نزد اهلش انجام می دهد] و سه گروه هستند که داخل بهشت نمی گردند: عاق پدر و مادر و دائم الخمر و کسی که وقتی بخششی می کند، منت می گذارد).

23 - مادر اگر از دست داده شود، الله تعالی حق او را بر خاله قرار می دهد؛ براء بن عازب رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «الْخَالَةُ بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ»^(۳) (خاله به منزله‌ی مادر است)؛ همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! من گناه بزرگی انجام داده‌ام آیا از من توبه پذیرفته می شود؟ فرمود: «هَلْ لَكَ مِنْ أُمَّ» (آیا مادری داری؟) گفت: خیر،

(1) أحمد (272/9) برقم 5372، و(269/10)، برقم 6113، و(322/10) برقم 6180، وصححه محققو المسند، وقال الألبانی فی صحیح الترغیب (662/2): حسن لغیره.

(2) النسائی، کتاب الزکاة، باب المنان بما أعطی، برقم 2561، وأحمد فی المسند (322/10) برقم 6180، وصححه محققو المسند، وصححه الألبانی فقال: حسن صحیح صحیح الترغیب (662/2) وفی صحیح النسائی (216/2).

(3) الترمذی، کتاب البر، باب ما جاء فی بر الخالة، برقم 1904، وصححه الألبانی فی الإرواء برقم 2190، وفی صحیح الترمذی (343/2).

فرمود: «هَلْ لَكَ مِنْ خَالَةٍ» (آیا خاله‌ای داری؟) گفت: بله، فرمود: «فَبِرَّهَا» (پس به او نیکی کن!)^(۱).

چهارم: انواع نیکی که به پدر و مادر بعد از مرگشان می‌رسد، بسیار زیاد و متنوع هستند که ما در اینجا تعدادی از آنها را می‌شماریم:

1 - طلب استغفار و آمرزش نمودن برای آنها، الله تعالی دعای ابراهیم عليه السلام

را یاد نموده و می‌فرماید: ﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾ [ابراهیم: 40، 41] (پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار بده! و همچنین فرزندانم را! پروردگارا دعا را قبول بفرما * پروردگارا! در روز برپایی حساب و کتاب، مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را ببامرز).

الله تعالی دعای نوح عليه السلام را یاد نموده و می‌فرماید: ﴿ رَبِّ اغْفِرْ لِي

وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾ [نوح: 28] (پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و کسی که مؤمن است و به خانگی من داخل می‌شود و مردان و زنان مؤمن را ببامرز! و بر ظالمان چیزی را زیاد نکن، مگر هلاک و نابودی را)؛ همچنین ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ الدَّرَجَةَ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَنْتَ لِي هَذِهِ فَيَقُولُ بِاسْتِغْفَارٍ وَلَدِكَ لَكَ»^(۲) (الله عز وجل درجه‌ی بنده‌ی صالحی را در بهشت بالا می‌برد [آن بنده] می‌گوید: این از کجا برای من آمده است؟ می‌فرماید: با طلب آمرزش فرزندت).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مرده‌ای درجه‌ی او بعد از مرگش بالا می‌رود و می‌گوید: ای پروردگارا! این از کجا آمده است، فرموده می‌شود: فرزندت برایت طلب

(1) الترمذی فی کتاب البر، باب ما جاء فی بر الخالة، بعد الحدیث رقم 1904، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی (343/2).

(2) أحمد فی المسند (209/2)، قال الإمام ابن کثیر رحمه الله تعالی فی تفسیره (243/4): إسناده صحیح.

آمزش نموده است^(۱).

2 - دعا برای آن دو؛ ابوهیره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ وَعِلْمٍ يَنْتَفَعُ بِهِ وَوَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»^(۲) (اگر انسان بمیرد، عمل او قطع می‌شود، مگر در سه چیز: صدقه‌ای که جاری باشد و علمی که از آن منفعت برده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند).

3 - بجا آوردن قرض و دین آن دو؛ ابوهیره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدِينِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ»^(۳) (نفس مؤمن، معلق به دینش است، تا این که ادا شود).

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يَغْفِرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ»^(۴) (تمامی گناهان شهید بخشیده می‌شود، مگر دین).
4 - بجا آوردن نذر آنها؛ مانند نذر روزه، حج یا عمره و یا چیزهای دیگری که نیابت در آن جایز است.

5 - بجا آوردن کفاره‌های آنها؛ مانند کفاره‌ی قسم، کفاره‌ی قتل غیر عمد و غیره؛ این واجبات در سخنی که در حدیثی که ابن عباس رضی الله عنهما آن را آورده است وجود دارد، در آن آمده است: زنی نذر کرد تا یک ماه روزه بگیرد و روزه نگرفت تا مُرد، نزدیک او، خواهر و یا دختر وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و آن را برای پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ عَلَيْهَا دَيْنٌ كُنْتَ تَقْضِيهِ» (آیا اگر دینی بر گردن وی بود، آن را ادا می‌نمودی؟)، گفت: بله، فرمود: «فَدَيْنُ اللَّهِ عَزَّ

(1) البخاری فی الأدب المفرد، برقم 36، وقال الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (ص 45): حسن الإسناد.

(2) مسلم، کتاب البر والصلوة، باب ما يلحق الإنسان من الثواب بعد وفاته، برقم 1631.

(3) أحمد (440/2)، والترمذی، کتاب الجنائز، باب ما جاء عن النبي صلی الله علیه و آله أنه قال: =نفس المؤمن معلقة بدینه حتى يقضى عنه برقم 1078، 1079، وابن ماجه، کتاب الصدقات، باب التشديد فی الدين، برقم 2413، وصححه الألبانی فی صحیح الترمذی (547/1).

(4) مسلم، کتاب الإمارة، باب من قتل فی سبیل الله كفرت خطایاه إلا الدين، برقم 1886.

وَجَلَّ أَحَقُّ أَنْ يُقْضَى» (پس دین الله ﷻ سزاوارتر به پرداخت شدن می باشد)^(۱).
 تمامی دیون برای الله تعالی واجب هستند، مانند: کفارها، نذرها، حج واجب (فرض)
 و عمره و روزه، همه‌ی آنها در این سخن پیامبر علیه الصلاة والسلام وارد می شود:
 «فَدَيْنُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَقُّ أَنْ يُقْضَى» (پس دین الله ﷻ سزاوارتر به پرداخت شدن
 می باشد).

6- به اجرا در آوردن وصیت آنها، اگر وصیتی نموده باشند و آن یک سوم و یا
 کمتر از آن، از اموال آنها می باشد؛ به اجرا در آوردن وصیت واجب است و باید به آن
 سرعت داده شود، چه در واجب باشد و چه در مستحب، اگر واجب باشد بلید به آن
 سرعت دهند تا پیمانی برگردن میت نماند و اگر از امور مستحب باشد، بلید برای اجر
 بردن آن دو، سرعت داد شود و شایسته است که قبل از دفن وصیت اجرا شود.

7- بجا آوردن روزه‌ی واجب (فرض) ماه رمضان برای آن دو؛ زیرا عایشه رضی الله
 عنها آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ صِيَامٌ صَامَ عَنْهُ وَلِيُّهُ»^(۲) (کسی
 که بمیرد و روزه‌ای برگردن وی باشد، ولی او از طرف او روزه بگیرد).

8- صله‌ی رحمی که به کسی نمی رسد، مگر آن دو؛ زیرا ابو بردة رضی الله عنه گفته
 است: به مدینه آمدم و عبدالله بن عمر نزد من آمد و گفت: آیا می دانی برای چه نزد
 تو آمده‌ام؟ گفتم: خیر، گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصِلَ
 أَبَاهُ فِي قَبْرِهِ فَلْيَصِلْ إِخْوَانَ أَبِيهِ بَعْدَهُ» (کسی که دوست دارد با پدرش در قبرش
 صله‌ی رحم بجا بیاورد، پس برادران [دینی] پدرش را ملاقات کند، از آنجا که بین
 پدرم عمر و بین پدرت برادری [و] دوستی وجود داشت، دوست داشتم تا با تو
 ملاقات کنم)^(۳).

9- گرامی داشتن دوست آن دو بعد از آنها؛ زیرا ابن عمر رضی الله عنهما

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الصوم، باب من مات وعليه صوم، برقم 1953، ومسلم، کتاب الصيام،

باب قضاء الصوم عن الميت، برقم 1148.

(2) متفق علیه: البخاری، کتاب الصوم، باب من مات وعليه صوم، برقم 1952، ومسلم، کتاب الصيام،

باب قضاء الصوم عن الميت، برقم 1147.

(3) ابن حبان فی صحیحه (175/2) برقم 432، وأبو یعلی فی مسنده (37/10) برقم 5669،

وقال شعيب الأرنؤوط فی تحقیقه لصحیح ابن حبان (175/2): إسناده صحیح علی شرط

البخاری وقال الألبانی فی صحیح الترغیب والترهیب (659/2): حسن.

آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَبْرَّ الْبِرِّ صَلَّةُ الْوَالِدِ أَهْلَ وَدِّ أَبِيهِ» (از نیک‌ترین نیکی‌ها [به پدر و مادر] معاشرت [و نیکی کردن] به دوستان پدر است)^(۱).

این چنین است که برای نیکی کردن به مُرده می‌توان به دوستان وی نیکی کرد و پدر و مادر سزاورتر به نیکی کردن به آنها بعد از مرگشان می‌باشند، زیرا عایشه رضی الله عنها گفته است: بر هیچ کدام از زنان پیامبر به غیرت نیافتادم آنچنان که برای خدیجه به غیرت افتادم؛ زیرا [پیامبر ﷺ] او را زیاد یاد می‌کرد و من هرگز او را ندیدم، رسول الله ﷺ وقتی گوسفندی ذبح می‌نمود، می‌فرمود: «أَرْسَلُوا بِهَا إِلَيَّ أَصْدِقَاءَ خَدِيجَةَ» (آن را برای دوستان خدیجه بفرستید!) روزی از او خشمگین شدم و گفتم: آیا خدیجه؟! رسول الله ﷺ فرمود: «إِنِّي قَدْ رَزَقْتُ حَبَّهَا» (دوست داشتن او به من روزی داده شده است) و در لفظی دیگر آمده است: اگر گوسفندی ذبح می‌نمود آن را به دوستان وی هدیه می‌داد^(۲).

10 - صدقه دادن از طرف آنها؛ زیرا سعد بن عبادة رضی الله عنه، مادرش فوت نمود و گفت: ای رسول الله! مادرم فوت کرد در حالی که من از نزد او غایب بودم، آیا اگر از طرف او صدقه‌ای بدهم به او منفعتی می‌رسد؟ فرمود: بله، گفت: تو را شاهد می‌گیرم که باغ بستانی که دارم و دور آن دیوار کشیده است را برای وی صدقه دهم^(۳). نیکی به پدر و مادر در زندگی آنها و بعد از مرگ آنها جریان دارد، اگر کسی فرصت نیکی کردن به آنها را در زندگی‌شان از دست دهد، الله تعالی آن را بعد از مرگشان به جریان می‌اندازد، یکسان است که از طرف آنها صدقه داده شود یا برای آنها طلب آمرزش و دعا و پرداخت دین و نذرها و کفارات باشد یا عهد و پیمان آنها بعد از آنها به اجرا در آید، یا صله‌ی رحمی صورت گیرد که فقط به آنها می‌رسد، یا ملاقات و معاشرت با کسانی که دوست آنها بودند یا انواع دیگری از

(1) مسلم، برقم 2552، و تقدم تخريجه في عنوان رقم (13).

(2) مسلم، كتاب فضائل الصحابة، باب فضائل خديجة أم المؤمنين رضی الله عنها، برقم 2435.

(3) متفق عليه: البخاری، كتاب الوصايا، باب إذا قال: أرضى أو بستاني صدقة عن أمي فهو جائز، وإن لم يُبين لمن ذلك، برقم 2756.

نیکی و نیکوکاری به آنها.

و صلی الله و سلم و بارک علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه أجمعین.